

الگوی ساختاری سبک‌های والدگری، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و خودشیفتگی نوجوانان

عطیه سادات ضابطی^۱ و صدیقه جعفری^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

هدف: پژوهش تعیین الگوی ساختاری سبک‌های والدگری، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و خودشیفتگی در نوجوانان پسر بود. **روش:** روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری تمام نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ سال منطقه ۱۶ شهر تهران در فصل پاییز و زمستان سال ۱۳۹۵ به تعداد ۱۶۷۴۵۹ نفر بود. حجم نمونه به پیشنهاد گادگنولی و ولیسر (۱۹۹۸) در پژوهش‌های الگویابی ۳۰۰ نفر تعیین شد. بنابراین از میان جامعه یادشده به روش نمونه برداری هدفمند از فرهنگسرای بهمن، مجتمع فرهنگی هنری فجر و مجتمع ورزشی بهمن ۳۰۰ نوجوان همراه با مادران‌شان انتخاب شدند و مادران به پرسشنامه سبک‌های والدگری بامریند (۱۹۹۱) و نوجوانان به نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ، ۱۹۸۸ و صفت‌های شخصیت خودشیفته آمز، رز و اندرسون (۲۰۰۶) پاسخ دادند. پس از حذف ۵ پرسشنامه مخدوش و ۵ داده پرت، بقیه داده‌ها با استفاده از روش الگویابی معادله‌ها تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه بین سبک‌های والدگری مقتدرانه و صفت‌های شخصیت خودشیفته را به صورت منفی ($\beta = -0/319$ ، $P = 0/001$) و رابطه بین سبک‌های والدگری مستبدانه و صفت‌های شخصیت خودشیفته را به صورت مثبت ($\beta = 0/153$ ، $P = 0/002$) میانجی‌گری می‌کند. **نتیجه‌گیری:** نظام تربیتی خانواده و به تعبیر دیگر شیوه‌های فرزندپروری والدین، یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری شخصیت فرد و شکل‌گیری سازه‌های شناختی از جمله طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. بر اساس این نتایج اهمیت و ضرورت آموزش فرزندپروری مثبت به والدین به‌ویژه مادران در سنین کودکی فرزندان‌شان بیش از پیش برجسته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بازدارنده، بیش‌فعالی، سوء مصرف مواد، کیفیت زندگی، فعال‌ساز

استناد به این مقاله: ضابطی، عطیه سادات، و جعفری، صدیقه. (۱۳۹۷). الگوی ساختاری سبک‌های والدگری، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و خودشیفتگی نوجوانان. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۲(۱۲) پایانی ۴۶: ۲۸۵-۳۰۲.

دریافت مقاله: ۹۶/۰۳/۰۲
پذیرش مقاله: ۹۶/۱۲/۱۸

نویسنده مسئول:
Se.jafari@alzahra.ac.ir

مقدمه

خودشیفتگی^۱ نوعی توجه متمرکز به خود توصیف شده است (بارنت و شارپ، ۲۰۱۷). طبق متن راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی انجمن روان‌پزشکی آمریکا ۲۰۱۳، اختلال شخصیت خودشیفته‌الگوی فراگیر خود بزرگ بینی در عالم خیال یا رفتار، نیاز به تحسین و فقدان هم‌دلی است که در اوایل بزرگسالی شروع می‌شود. صفت‌های خودشیفتگی ممکن است در نوجوانان خیلی شایع باشند. از بین افرادی که دچار اختلال شخصیت خودشیفته تشخیص داده شده‌اند؛ ۵۰ تا ۷۵ درصد مرد هستند. در این اختلال احساس‌های مداوم شرم یا تحقیر و انتقاد از خود همراه با آن، ممکن است با کناره‌گیری اجتماعی، خلق افسرده و اختلال افسردگی مداوم یا اختلال افسردگی اساسی مرتبط باشد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۳).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۲ در هسته مرکزی اختلال‌های شخصیت قرار دارند (یانگ، کلسکو و ویشار^۳، ۱۳۸۹) و آسیب‌پذیری ویژه‌ای را برای انواع آشفتگی‌های روان‌شناختی و آسیب‌شناسی شخصیت ایجاد می‌کنند (شوری، استوارت و اندرسون، ۲۰۱۴) و الگوهای گسترده و فراگیر متشکل از خاطره‌ها، هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساس‌های بدنی مرتبط با خود و دیگران هستند (ساکولاسپرپرست، پاکائو، کاناوانگ و میمون، ۲۰۱۶). در الگوی طرحواره‌ای، هجده طرحواره بر اساس پنج نیاز هیجانی ارضانده تقسیم شده‌اند که آن‌ها را «حوزه‌های طرحواره» نامیده‌اند که عبارت از بریدگی و طرد^۴، خودگردانی و عملکرد مختل^۵، محدودیت‌های مختل^۶، دیگرجهت‌مندی^۷ و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری^۸ هستند. طرحواره‌های محرومیت هیجانی، نقص/شرم و استحقاق/خود بزرگ بینی از غالب‌ترین طرحواره‌های بیماران دچار اختلال شخصیت خودشیفته هستند و به‌طور معمول جبران افراطی محرومیت هیجانی و نقص به‌صورت طرحواره استحقاق ظاهر می‌شود (یانگ و همکاران، ۱۳۸۹). زیگلر-هیل، گرین، آرنو، سیسمور و میرز (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند؛ خودشیفتگی با طرحواره استحقاق همبستگی مثبت دارد. در پژوهش کورال و کالویت (۲۰۱۴) صفت‌های اختلال شخصیت خودشیفته به‌طور مثبت با طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختل و به‌طور منفی با طرحواره‌های حوزه دیگرجهت‌مندی همبسته است.

-
1. narcissism
 2. early maladaptive schemas
 3. Young, Klosko & Weishaar
 4. disconnection and rejection
 5. impaired autonomy and performance
 6. impaired limits
 7. other/directedness
 8. over-vigilance and inhibition

تعامل روزمره کودکان با والدین خودشان موجب رشد جسمانی، هیجانی و شناختی آن‌ها می‌شود (قدسی، صریحی و آقاییوسفی، ۱۳۹۳). شکل‌های مختلف خانواده و ترکیب و ساختار آن ممکن است بر رشد شخصیت کودکان به روش‌های متفاوت تأثیرگذار باشد. پرورش کودکان یکی از ابعاد عملکرد والدین است و مهم‌ترین اعضای این فرایند والدین هستند (کمالی ایگلی و ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۵). الگوهای عملکرد خانواده یعنی ابعاد عملکردی خانواده در شیوه‌های فرزندپروری منعکس و به سبک‌های والدگری^۱ مربوط می‌شود (ماتجویک، جووانویک و ایللیک، ۲۰۱۵). شیوه‌های فرزندپروری بر اساس دو ویژگی توقع که شامل ویژگی‌های کنترل، نظارت و انتظار رفتار بالغانه از کودک است و پاسخ‌گویی که شامل مواردی چون پشتیبانی، عشق و پذیرش کودک است پیشنهاد شده است. والدین با سبک والدگری مقتدرانه^۲ توقع بالایی دارند در عین حال پاسخگو نیز هستند. والدین مستبد^۳ قوانین محکمی را برای فرزندان‌شان وضع می‌کنند و والدین سهل‌گیر^۴ از فرزندان خود توقع چندانی ندارند (اسمتانا، ۲۰۱۷). در همین راستا، در پژوهش هورتون و تریچ (۲۰۱۴) کنترل روان‌شناختی کودکان توسط والدین، به‌طور مثبت با صفت‌های اختلال شخصیت خودشیفته فرزندان همبسته بود؛ درحالی‌که نظارت و سردی والدین همبستگی منفی با صفت‌های اختلال شخصیت خودشیفته داشت. از سوی دیگر، در پژوهش اسماعیلی کورانه و امیر سرداری (۲۰۱۵) شیوه‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده طرحواره‌های ناسازگار اولیه بود.

در میان اعضای هر جامعه‌ای، کودک و نوجوان به‌عنوان فردی که دارای حساسیت و احساس‌های طبیعی و ویژگی‌های شناختی برای یادگیری است؛ بعد از نیاز به یادگیری مراقبت شخصی، نیاز به نظارت دارد. پیشرفت جامعه تنها با رشد کودکان آن جامعه یعنی کودکانی که از لحاظ جسمانی و روانی-اجتماعی قوی هستند؛ امکان‌پذیر است (کمالی ایگلی و ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۵). صفت‌های خودشیفتگی ممکن است در نوجوانان خیلی شایع باشد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۳). خودشیفتگی با پیامدهای سازگارانه و ناسازگارانه بسیاری مانند پرخاشگری و خشونت در ارتباط است و بازتاب تفاوت‌های فردی در رشد اولیه کودکی است (بروملمن، توماس، نلمانس، اربیدو وی کسترو، اوربیک و بوشمن، ۲۰۱۵؛ راج، پینکاس، لوتویتسکی، منارد و کانروی، ۲۰۱۳). از آنجایی که خانواده شبکه‌ای از ارتباط‌ها است که در آن والدین و کودکان در فرایندی دوسویه با هم در تعامل‌اند؛ لذا در این مجموعه، طرفین قادرند تأثیرهای بس شگرفی بر یکدیگر داشته باشند (دانش، نیکومنش، سلیمی‌نیا، سابقی و شمشیری، ۱۳۹۳). اهمیت پژوهش حاضر هنگامی

-
1. parenting style
 2. authoritative
 3. authoritarian
 4. permissive

مشخص می‌شود که تأثیر طرح‌واره‌های ناسازگار بر شکل‌گیری صفت‌های اختلال‌های شخصیت در سنین مختلف شناخته و با تشخیص چگونگی شکل‌گیری و قوام طرح‌واره‌های ناسازگار از به وجود آمدن آن‌ها جلوگیری شود و آسیب‌ها به حداقل برسد. بنابراین، آگاهی از این آسیب‌ها بر اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می‌افزاید. با مروری بر پیشینه پژوهش شاید بتوان گفت که سبک‌های والدگری می‌توانند سازه‌های شناختی به‌ویژه طرح‌واره‌های ناسازگار را رقم بزنند. این طرح‌واره‌ها احتمالاً عامل مهمی در رشد شخصیت هستند. بنابراین با توجه به نقش سبک‌های والدگری در رشد شخصیت کودکان سؤال‌های زیر مطرح و آزمون شد.

۱. آیا الگوی مفهومی پژوهش که در آن در قالب یک الگو سبک‌های والدگری مادران و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه خودشیفتگی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند؛ با داده‌های گردآوری شده برازش دارد؟

۲. آیا طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه رابطه بین سبک والدگری مقتدرانه مادران و خودشیفتگی نوجوانان را میانجی‌گری می‌کنند؟

۳. آیا طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه رابطه بین سبک والدگری مستبدانه مادران و خودشیفتگی نوجوانان را میانجی‌گری می‌کنند؟

۴. آیا طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه رابطه بین سبک والدگری سهل‌گیرانه مادران و خودشیفتگی نوجوانان را میانجی‌گری می‌کنند؟

روش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری تمام نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ سال منطقه ۱۶ شهر تهران در فصل پاییز و زمستان سال ۱۳۹۵ به تعداد ۱۶۷۴۵۹ نفر بود. به پیشنهاد گاداگنولی و ولیسر (۱۹۹۸) برای پژوهش‌های الگویابی حجم نمونه ۳۰۰ نفر تعیین شد. بنابراین از میان جامعه یادشده به روش نمونه برداری هدفمند از فرهنگسرای بهمن، مجتمع فرهنگی هنری فجر و مجموعه ورزشی بهمن ۳۰۰ نوجوان همراه با مادران‌شان انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل جنس مذکر، محدوده سنی ۱۳ تا ۱۸، اشتغال به تحصیل، زندگی مشترک با والد مادر از دوران کودکی تا نوجوانی و در قید حیات بودن هر دو والد و ملاک‌های خروج از پژوهش شامل مصرف دارو، دریافت درمان‌های روان‌شناسی و روان‌پزشکی در طول عمر و معلولیت جسمانی و بیماری‌های مزمن دیگر بود.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه شخصیت خودشیفته^۱. این پرسشنامه ۱۶ گویه‌ای توسط آمز، رز و اندرسون (۲۰۰۶) ساخته شده و فاقد زیرمقیاس است و خودشیفتگی را بر اساس رویکرد تک بُعدی ارزیابی می‌کند. پرسشنامه متشکل از جفت گویه‌هایی است که پاسخ‌دهنده باید یکی از آن‌ها را به صورت گزینه الف=۱ و گزینه ب=۰ انتخاب کند. ضرایب پایایی بازآزمایی در طول ۵ هفته توسط سازندگان اصلی آزمون ۰/۸۵ گزارش شده است. روایی همگرا با محاسبه ضریب همبستگی بین نمره‌های این پرسشنامه و نمره‌های حاصل از شاخص‌های برون‌گرایی و گشودگی نسبت به تجربه مقیاس ۵ عامل بزرگ شخصیت کاستا و مک‌کرا^۲ ۱۹۹۲ برای برون‌گرایی ۰/۳۲ و برای گشودگی نسبت به تجربه ۰/۴۱ محاسبه شده است (آمز و همکاران، ۲۰۰۶). محمدزاده (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹، ضریب همبستگی بین این پرسشنامه و مقیاس خودشیفتگی پرسشنامه شخصیت چندمحوری بالینی میلون-II^۳ ۱۹۸۷ را برابر با ۰/۷۷ گزارش کرد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۷۴ به دست آمد.

۲. نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ^۴. این پرسشنامه توسط یانگ^۵ در سال ۱۹۹۸ ساخته شد و شامل ۷۵ عبارت و ۵ حوزه طرحواره‌ای است. این پرسشنامه بریدگی و طرد را با سؤال‌های ۱ تا ۲۵؛ خودگردانی و عملکرد مختل را با سؤال‌های ۲۶ تا ۴۵؛ دیگرجهت‌مندی را با سؤال‌های ۴۶ تا ۵۵؛ گوش به زنگی بیش از حد و بازداری را با سؤال‌های ۵۶ تا ۶۵؛ محدودیت‌های مختل را با سؤال‌های ۶۶ تا ۷۵ در طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً درست درباره من=۶ تا کاملاً غلط درباره من=۱ ارزیابی می‌کند (آمز، رز و اندرسون، ۲۰۰۱). والر، میر و هانیان (۲۰۰۱) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ را برای این ابزار گزارش کردند و نشان دادند این پرسشنامه روایی افتراقی مطلوبی دارد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های بریدگی و طرد؛ خودگردانی و عملکرد مختل؛ دیگرجهت‌مندی؛ گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت‌های مختل به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۹، ۰/۸۲، ۰/۸۳ و ۰/۷۹ به دست آمد.

۳. پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند^۶. این پرسشنامه ۳۰ سؤالی توسط بامریند (۱۹۹۱) ساخته شد و سه خرده مقیاس دارد. سبک سهل‌گیرانه را با سؤال‌های ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸، سبک مستبدانه را با سؤال‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶ و ۲۹

1. Narcissistic Personality Inventory
2. Costa & McCrae
3. Millon Clinical Multiaxial Inventory-II (MCMI-II)
4. Schema Questionnaire-Short Form
5. Young
6. Baumrind Parenting Styles Questionnaire

و سبک مقتدرانه را با سؤال‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰ در طیف لیکرت از «کاملاً مخالفم=۰» تا «کاملاً موافقم=۴» اندازه‌گیری می‌کند. بوری، لوسل، میساکانیس و مولر (۱۹۸۸) ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۸ را به ترتیب برای سبک‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه برای گروه مادران و ۰/۷۷، ۰/۸۵ و ۰/۹۲ را برای گروه پدران و روایی قابل قبولی را برای این پرسشنامه گزارش کردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های مقتدرانه، سهل‌گیر و مستبدانه به ترتیب برابر ۰/۷۶، ۰/۷۰ و ۰/۷۴ به دست آمد.

شیوه اجرا. پس از انتخاب آزمودنی‌ها بر اساس ملاک‌های پژوهش، ارائه توضیح‌های یکسانی درباره اهداف پژوهش، چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها به نوجوان‌ها و مادرهای آن‌ها و اعلام رضایت شرکت‌کننده‌ها، مادران و پسران به صورت فردی و در صورت اینکه با اعضای خانواده یا دوستان خود در مراکز حضور یافته بودند؛ دور از اعضای خانواده و دوستان پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. پرسشنامه‌ها در پاکت‌هایی به شرکت‌کننده‌ها تحویل و در همان پاکت‌ها باز پس گرفته شد. به دین ترتیب شرایط یکسانی برای پاسخگویی به پرسشنامه‌ها برای همه شرکت‌کننده‌ها فراهم شد. در این پژوهش ملاحظات اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. پس از کنار گذاشتن ۵ پرسشنامه مخدوش و حذف داده‌های پرت ۵ شرکت‌کننده داده‌ها با استفاده از روش الگویابی معادله‌های ساختاری تحلیل شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر سن ۱۱۰ نفر از شرکت‌کننده‌ها ۱۵ سال (۳۷/۲۹ درصد)، ۷۵ نفر ۱۶ سال (۲۵/۴۳ درصد)، ۹۵ نفر ۱۷ سال (۳۲/۲۱ درصد) و ۱۵ نفر ۱۸ سال (۵/۰۸ درصد) بود. میانگین سنی نوجوانان ۱۶/۰۴ و انحراف معیار آن ۱/۵ بود. از این تعداد پدران ۲۵۵ نفر از شرکت‌کننده‌ها شاغل (۸۶/۴۴ درصد) و ۴۰ نفر غیرشاغل (۱۳/۵۵ درصد) بودند. تحصیلات ۱۴۷ پدر، دیپلم (۴۹/۸۳ درصد)، ۴۸ نفر فوق‌دیپلم (۱۶/۲۷ درصد)، ۷۰ نفر لیسانس (۲۳/۷۲ درصد)، ۲۵ نفر فوق‌لیسانس (۸/۴۷ درصد) بود و ۵ نفر (۱/۶۹ درصد) تحصیلات پدر خود را مشخص نکرده بودند. مادران ۱۸۵ نفر از شرکت‌کننده‌ها شاغل (۶۲/۷۱ درصد) و ۱۰۰ نفر غیرشاغل (۳۳/۸۹ درصد) بودند و ۱۰ نفر وضعیت شغلی مادر خود را مشخص نکرده بودند. تحصیلات ۱۱۷ مادر دیپلم (۳۹/۶۶ درصد)، ۴۷ نفر فوق‌دیپلم (۱۵/۹۳ درصد)، ۶۷ نفر لیسانس (۲۲/۷۱ درصد)، ۵۵ نفر فوق‌لیسانس (۱۸/۶۴ درصد) و ۹ نفر (۳/۰۵ درصد) تحصیلات مادر خود را مشخص نکرده بودند.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس
بریدگی / طرد	۴۷/۱۳	۲۰/۶۳	۰/۱۵۸	-۰/۶۹۰	۰/۴۰۲	۲/۴۷۱
خودگردانی / عملکرد مختل	۳۷/۳۰	۱۶/۹۳	۰/۳۸۶	-۰/۷۲۳	۰/۳۸۹	۲/۵۷۱
دیگر جهت‌مندی	۲۷/۶۱	۹/۵۶	۰/۳۹۶	۰/۲۳۴	۰/۵۰۱	۱/۹۹۸
گوش به زنگی	۲۹/۳۶	۹/۹۶	۰/۲۲۲	۰/۴۷۴	۰/۴۹۱	۲/۰۳۶
محدودیت‌های مختل	۲۷/۵۶	۹/۷۷	۰/۳۲۶	-۰/۰۶۷	۰/۶۵۱	۱/۵۳۶
والدگری - مقتدرانه	۲۳/۰۷	۵/۹۲	۰/۳۳۱	۰/۲۸۶	۰/۳۸۴	۲/۶۰۷
والدگری - سهل‌گیرانه	۲۰/۵۱	۶/۰۶	۰/۰۹۳	-۰/۱۴۰	۰/۴۱۸	۲/۳۹۳
والدگری - مستبدانه	۲۲/۷۰	۷/۹۸	-۰/۴۷۵	-۰/۰۸۸	۰/۷۶۵	۱/۳۰۸
صفت خودشیفتگی	۷/۸۳	۲/۶۸	۰/۰۴۳	-۰/۷۸۰	متغیر ملاک	متغیر ملاک

بر اساس جدول ۱ هیچ‌یک از شاخص‌های مربوط به چولگی و کشیدگی از مرز ± 2 عبور نکرده است و بنابراین طبق نظریه کلاین (۲۰۰۵) مفروضه توزیع داده‌ها برقرار است. همچنین طبق نظریه مایر، گامست و گوارینو (۲۰۰۶) مساله هم‌خطی بودن نیز در متغیرهای پژوهش رخ نداده است. برای آزمون مفروضه خطی بودن روابط بین متغیرهای پژوهش از ماتریس‌های نمودار پراکنندگی استفاده شد. از بررسی شکل توزیع دو به دو متغیرها استنباط شد که متغیرهای پژوهش حاضر دو به دو نمودار پراکنندگی ایجاد کرده‌اند که به شکل بیضی است. بر این اساس هیچ‌یک از روابط در بین متغیرها انحراف آشکار از خطی بودن را نشان ندادند. استفاده از روش فاصله مهلنوبیس و ترسیم منحنی توزیع آن نشان داد که ترکیب متغیرهای پیش‌بین در تبیین متغیر ملاک طبیعی نیست. نمودار باکس پلات نشان داد که اطلاعات مربوط به شرکت‌کننده‌های ۵، ۱۹۹، ۱۵۲، ۹۵ و ۶ پرت‌های چندمتغیری تشکیل داده‌اند، بنابراین اطلاعات مزبور حذف شد.

جدول ۲. شاخص‌های برازندگی الگوی اولیه و الگوی اصلاح شده متغیر مکنون طرحواره‌ها

مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه
الگوی اولیه	۱۰۳/۷۷۹	۲۰/۷۵۶	۰/۸۱۶	۰/۸۴۲	۰/۵۲۶
اصلاح الگوی ۱: کوواریانس بین خطاهای دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی	۵۵/۵۷۴	۱۳/۸۹۳	۰/۹۰۵	۰/۹۲۶	۰/۷۲۴
اصلاح الگوی ۲: کوواریانس بین خطاهای محدودیت‌های مختل و گوش به زنگی	۳۰/۷۹۷	۱۰/۲۶۶	۰/۹۴۸	۰/۹۵۸	۰/۷۸۹
اصلاح الگوی ۳: کوواریانس بین خطاهای دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی	۴/۸۶۶	۲/۴۳۳	۰/۹۹۵	۰/۹۹۳	۰/۹۴۵

جدول ۲ نشان می‌دهد که الگوی اندازه‌گیری در ۳ مرحله اصلاح و شاخص‌هایی حاصل شده است که نشان دهنده این است که الگوی اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. همچنین در این جدول همه بارهای عاملی بین متغیرهای مشاهده شده و متغیر مکنون بزرگتر از ۰/۵۱ است و این موضوع بیانگر آن است که هر یک از نشانگرها از توان کافی برای اندازه‌گیری متغیر مکنون طرحواره‌های ناسازگار اولیه برخوردارند.

جدول ۳. ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین سبک‌های والدگری، طرحواره‌های

ناسازگار اولیه و شخصیت خود شیفته

اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		اثر کل		مسیرها
خطای استاندارد	پارامتر استاندارد β	خطای استاندارد	پارامتر استاندارد β	خطای استاندارد	پارامتر استاندارد β	
۰/۰۲۴	-۰/۰۶۲**	۰/۰۶۶	-۰/۲۵۷**	۰/۰۶۹	-۰/۳۱۹**	سبک مقتدرانه- شخصیت خودشیفته
۰/۰۲۲	۰/۰۲۹	۰/۰۶۱	۰/۰۲۱	۰/۰۶۳	۰/۰۵	سبک سهل‌گیرانه- شخصیت خودشیفته
۰/۰۳۲	۰/۰۹۶**	۰/۰۶۹	۰/۰۵۷	۰/۰۶۹	۰/۱۵۳*	سبک مستبدانه- شخصیت خودشیفته
				۰/۰۶۴	-۰/۲۰۷**	سبک مقتدرانه- طرحواره ناسازگار
				۰/۰۷۰	۰/۰۹۸	سبک سهل‌گیرانه- طرحواره ناسازگار
				۰/۰۶۹	۰/۳۲۲**	سبک مستبدانه- طرحواره ناسازگار
				۰/۰۶۵	۰/۳۰۱**	طرحواره ناسازگار- شخصیت خودشیفته

* $P < ۰/۰۵$ ** $P < ۰/۰۱$

بر اساس نتایج جدول ۳ ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک والدگری مقتدرانه و صفت شخصیت خودشیفته منفی است ($P = ۰/۰۰۱$). همچنین ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک والدگری مستبدانه و صفت شخصیت خودشیفته مثبت است ($P = ۰/۰۲$). این یافته بیانگر آن است که از بین سبک‌های والدگری، سبک مقتدرانه و مستبدانه رابطه غیرمستقیم و معنادار با صفت شخصیت خودشیفته دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال‌های پژوهش معلوم شد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه بین سبک‌های والدگری مقتدرانه و صفت‌های شخصیت خودشیفته را به صورت منفی و رابطه بین سبک‌های والدگری مستبدانه و صفت‌های شخصیت خودشیفته را به صورت مثبت میانجی‌گری می‌کنند. هم‌راستا با نتایج این پژوهش، پژوهش‌های دیگر به عنوان مثال اسماعیلی کورانه و امیرسرداری (۲۰۱۵)، منتگمری، فیسک و درایگل (۲۰۰۸)، ساریتاس آتالار و گنکوز (۲۰۱۵)، خاجویی‌نیا، سووانی و سرامی فروشانی (۲۰۱۴) و شوری، المکویست، اندرسون و استوارت (۲۰۱۵) نشان

دادند؛ سبک‌های والدگری پیش‌بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند و طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه سبک‌های والدگری و انواع آسیب‌شناسی روانی را میانجی‌گری می‌کنند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت ساختار خانواده ممکن است بر رشد شخصیت کودکان به روش‌های متفاوت تأثیرگذار باشد. پرورش کودکان یکی از ابعاد عملکرد والدین است و مهم‌ترین اعضای این فرایند والدین هستند (قانی، کمال و عزیز، ۲۰۱۴). سبک فرزندپروری مقتدرانه ویژگی‌هایی نظیر محبت و گرمی را دربرمی‌گیرد. این والدین کودکان خود را تشویق می‌کنند نظر خود را هرچند نادرست یا متفاوت و همچنین هیجان‌های خود را درست و کامل ابراز کنند. این سبک فرزندپروری اغلب منجر به خودتنظیمی و تنظیم هیجانی و راهبردهای کنارآمدن مؤثر، مقبولیت و پیشرفت تحصیلی می‌شود (اسماعیلی کورانه و امیرسرداری، ۲۰۱۵؛ ژو، وانگ، دنگ، ایزنبرگ، وولچیک و تین، ۲۰۰۸). از این‌رو، می‌توان گفت که والدین مقتدر درخواست‌های معقولی برای پختگی دارند و این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و اصرار بر اینکه کودک باید از آن‌ها تبعیت کند؛ به اجرا درمی‌آورند (دانش، سلیمی‌نیا، حق‌رنجبر، نادری و عمویی، ۱۳۹۶). درحالی‌که، سبک والدگری مستبدانه ویژگی‌هایی مانند سنگدلی، سختگیری را دربرمی‌گیرد. این والدین بی‌عاطفه هستند و به نیازهای رشد و نمو کودکان خود توجهی ندارند (اسماعیلی کورانه و امیرسرداری، ۲۰۱۵). برخوردهای مستبدانه با فرزندان می‌تواند با اثرات نامطلوب هیجانی و اعتماد به نفس پایین، زمینه را برای آشفتگی‌های روانی فراهم سازد. در این راستا برخی از صاحب‌نظران عقیده دارند شیوه فرزندپروری مستبدانه با برخوردهای خشن، محدودکننده و کنترل افراطی به فردیت و استقلال فرزندان در خانواده آسیب می‌زند (توزنده‌جانی، توکلی‌زاده و لگزیان، ۱۳۹۰). چون والدین مستبد اجازه انتخاب و تصمیم‌گیری به فرزند خود نمی‌دهند؛ در نتیجه نگرش‌های منفی یعنی بی‌اعتمادی، شرم و شک و احساس کهنتری در فرزندان آن‌ها رشد می‌یابد (دانش و همکاران، ۱۳۹۶).

طرحواره‌ها، سازه‌های شناختی پایدار و عمیقی هستند که از تعامل استعداد ژنتیکی فرد و عوامل محیطی از جمله روابط فرد با والدین و افراد مهم شکل می‌گیرند و نتیجه آن شکل‌گیری مجموعه‌ای از عقاید و باورها در مورد خود و دیگران است که از طریق آن شرایط ارزیابی و تفسیر می‌شوند (گونزالز-جیمenez و هرناندز-رومرا، ۲۰۱۴). افراد دارای طرحواره‌های بریدگی و طرد، انتظار ندارند که نیازهای امنیت، ثبات، محبت، همدلی، در میان گذاشتن احساسات، پذیرش و احترام‌شان به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی ارضاء شود. در حوزه طرحواره‌های خودگردانی و عملکرد مختل انتظارات فرد از خود و محیط با توانایی‌های محسوس او برای جدایی، بقا و عملکرد مستقل یا انجام موفقیت‌آمیز کارها تداخل پیدا می‌کند. حوزه طرحواره‌های محدودیت‌های مختل حاکی از نقص در محدودیت‌های درونی، احساس مسئولیت در قبال دیگران یا جهت‌گیری نسبت به اهداف بلند

مدت زندگی است. حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری با تأکید افراطی بر واپس‌زنی احساسات، تکانه‌ها و انتخاب‌های خودانگیزه فرد یا برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف‌ناپذیر و درونی شده درباره عملکرد و رفتار اخلاقی مشخص می‌شود که اغلب منجر به از بین رفتن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط نزدیک و سلامتی می‌شود. طرحواره‌های حوزه دیگر جهت‌مندی به‌طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که کودک را با قید و شرط پذیرفته‌اند و کودک در چنین شرایطی به منظور دستیابی به توجه، عشق و پذیرش دیگران باید جنبه‌های مهم شخصیت خود را نادیده بگیرد (یانگ و همکاران، ۱۳۸۹). از سویی، الگوی طرحواره‌ای یانگ مطرح می‌کند نیازهای رشدی مانند ارتباط، استقلال، شایستگی، انتظارات معقول با محدودیت واقعی که به اندازه کافی و رضایت‌بخش ارضا نشده‌اند و اساس طرحواره‌های ناسازگار که منجر به آسیب شناسی می‌شود؛ رابطه دارند.

طرحواره‌ها سازه‌های شناختی پایدار و عمیقی هستند که قوانین و یا دستورالعمل را در مورد انتخاب، گذراری، ذخیره سازی و بازیابی اطلاعات را هدایت می‌کنند. این طرحواره‌ها از تعامل استعداد ژنتیکی فرد و عوامل محیطی از جمله روابط فرد با افراد مهم مانند والدین، معلم‌ها و خواهرها و برادرها شکل می‌گیرند و نتیجه آن مجموعه‌ای از ایده‌ها و باورها در مورد فرد و دیگران است که از طریق آن شرایط ارزیابی و تفسیر می‌شوند (گونزالز-جیمنز و هرماندز-رومرا، ۲۰۱۴). به عبارتی، طرحواره‌ها ریشه در دوران کودکی و نوجوانی دارند و بعدها ناسازگارانه می‌شوند. زیرا مانع از برآوردن نیازهای هیجانی در آن دوران شده‌اند (گونر، ۲۰۱۶). از سویی طبق نظر کوهات و کرنبرگ^۱ (۱۹۷۸؛ نقل از باچر، مینکا، و هولی، ۲، ۱۳۹۴) اختلال شخصیت خودشیفته احتمالاً در صورتی پرورش می‌یابد که والدین به کودک بی‌توجهی کنند؛ او را تحقیر کنند؛ یا با او همدلی نکنند؛ چنین فردی مدام به دنبال تأیید خودپنداره آرمانی شده و پرطمقراق خود است.

در یک جمع‌بندی، خانواده به‌عنوان اولین کانون اجتماعی، عوامل مختلفی دارد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد فرزندان به‌ویژه رشد روانی آن‌ها، چگونگی روش‌های تربیتی والدین در چارچوب خانواده است. روان‌شناسان مدت‌هاست عنوان کرده‌اند که عملکرد والدین بر شکل‌گیری افکار، رفتار و هیجان‌های کودکان تأثیرگذار است و باید ریشه بسیاری از اختلال‌های روانی را در پرورش اولیه خانواده جستجو کرد (نظری، کاکاوند و مشهدی فراهانی، ۱۳۹۴). بنابراین همانگونه که رستمی‌نژاد و شوکتی (۱۳۹۵) عنوان کرده‌اند؛ آموزش والدین و آگاهی آن‌ها نسبت به اتخاذ سبک‌های فرزندپروری درست با توجه به آثار آن بر رشد اجتماعی فرزندان‌شان ضروری به‌نظر می‌رسد.

1. Kohut & Kernberg
2. Butcher, Mineka & Hooley

نخستین کسانی که کودک از آن‌ها الگو می‌گیرد و بسیاری از روحیه‌ها و غرایز او در اثر تماس با آن‌ها به‌وجود می‌آید؛ والدین هستند. آن‌ها از آن جهت که بسیاری از ویژگی‌ها و صفات‌ها را از خود و اجدادشان به کودک‌ان خود منتقل می‌کنند؛ عامل وراثت‌اند و از آن جهت که در تماس همیشگی با فرزند خویش هستند و اعمال و رفتار او را زیر نظر دارند و او نیز آن‌ها را الگوی خویش قرار می‌دهد؛ یک عامل محیطی برای تربیت به‌حساب می‌آیند. آنجا که خانواده اولین بذر رشد فردی و شخصیت آدمی را می‌کارد و از سوی دیگر، کودک در بیشتر حالت‌های خود مقلد پدر و به‌ویژه مادر خود است؛ لذا نخستین سال‌های زندگی در ایجاد شخصیت بزرگسالی بسیار مهم و در این میان نقش والدین و به‌ویژه مادر حائز اهمیت است (دانش و همکاران، ۱۳۹۳). از میان اعضای خانواده مادر اولین کسی است که کودک با او رابطه برقرار می‌کند؛ لذا می‌توان گفت که مهم‌ترین نقش را در پرورش ویژگی‌های روان‌شناختی و عاطفی کودک به‌عهده دارد و کانون سلامتی یا بیماری محسوب می‌شود.

نظام تربیتی خانواده و یا به تعبیر دیگر شیوه‌های فرزندپروری والدین یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری شخصیت کودک و شکل‌گیری سازه‌های شناختی از جمله طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. بر اساس این نتایج همانگونه که پورحیدری، بساک نژاد، داودی و مهرابی زاده هنرمند (۱۳۹۶) تأکید کرده‌اند؛ آموزش فرزندپروری مثبت به والدین به‌ویژه مادران که هدف اصلی آن تمرکز بر سبک فرزندپروری و ارتباط بین مادر و فرزندان و شکستن چرخه تعامل‌های استبدادی و ارتقای مستقیم کیفیت ارتباط بین مادر و فرزند است؛ به‌ویژه در سنین کودکی فرزندان‌شان ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین پیشنهاد می‌شود در درمان نشانه‌های خودشیفتگی بر سبک‌های والدگری والدین تمرکز و درمان‌هایی مانند طرحواره درمانی به‌کار گرفته شود. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بررسی نکردن سبک‌های فرزندپروری پدران و وضعیت اجتماعی-اقتصادی آزمودنی‌ها بود. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی سبک‌های فرزندپروری هریک از والدین و وضعیت اجتماعی-اقتصادی به‌صورت مجزا بررسی شود.

سپاسگزاری

قدردان والدین و نوجوانانی هستیم که در اجرای این پژوهش یاریگر پژوهشگران بودند. این مقاله برگرفته از پژوهش به‌هزینه شخصی است.

منابع

انجمن روان‌پزشکی آمریکا. (۱۳۹۳). راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (ویراست پنجم). ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر روان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۳).

- باچر، جیمز، مینکا، سوزان، و هولی، جیل. (۱۳۹۴). *آسیب شناسی روانی*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ارسباران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۴).
- پورحیدری، سپیده، بساک نژاد، سودابه، داودی، ایران، و مهرابی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۹۶). اثربخشی فرزندپروری مثبت و ذهن آگاهی بر رابطه مادر-فرزند سالم و رابطه همشیران در خانواده‌های دارای کودک دچار کاستی توجه/افزون‌کنشی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱(۱) (پیاپی ۴۱): ۲۶-۷.
- توزنده جانی، حسن، توکلی زاده، جهان شیر، و لگزیان، زهرا. (۱۳۹۰). اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور. *نشریه/اق دانش*، ۱۷(۲) (پیاپی ۵۲): ۶۴-۵۶.
- دانش، عصمت، سلیمی نیا، نرگس، حق رنجبر، فرخ، نادری، فریده، و عمویی، خدیجه. (۱۳۹۶). الگوی ساختاری تحول روانی-اجتماعی فرزندان در ارتباط با هوش معنوی و شیوه‌های فرزندپروری مادران آن‌ها. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱(۱) (پیاپی ۴۱): ۶۵-۴۷.
- دانش، عصمت، نیکومنش، نرسانگا، سلیمی نیا، نرگس، سابقی، لیلا، و شمشیری، مینا. (۱۳۹۳). رابطه صفات شخصیتی مادران با کمال‌گرایی دختران نوجوان آن‌ها. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۸(۴) (پیاپی ۳۲): ۶۳-۷۸.
- رستمی نژاد، محمدعلی، و شوکتی، احمدرضا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی عضویت در شبکه‌های مجازی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سازگاری. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۰(۲) (پیاپی ۳۸): ۲۰۸-۱۹۳.
- قدسی، احمد، صریحی، نفیسه، و آقاییوسفی، علی‌رضا. (۱۳۹۳). رابطه انگیزه پیشرفت با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و جو عاطفی خانواده. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۸(۴) (پیاپی ۳۲): ۱۳۱-۱۱۱.
- کمالی ایگلی، سمیه، و ابوالمعالی الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۵). تبیین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بر اساس فرایندهای ارتباطی خانواده و کمال‌گرایی در نوجوانان دختر. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۰(۳) (پیاپی ۳۹): ۳۱۰-۲۹۱.
- محمدزاده، علی. (۱۳۸۸). اعتبارسنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته در جامعه ایرانی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۱(۴): ۲۸۱-۲۷۴.
- نظری، فاطمه، کاکاوند، علی‌رضا، و مشهدی فراهانی، ملکه. (۱۳۹۴). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با شیوه‌های فرزندپروری مادران و اختلال‌های بیرونی شده فرزندان‌شان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۹(۲) (پیاپی ۳۴): ۱۳۵-۱۱۵.
- یانگ، جفری، کلوکسو، ژانت، و ویشار، ماری جوری. (۱۳۸۹). *طرحواره درمانی*. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: نشر ارجمند. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۳).

Ames, D. R., Rose, P., & Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of Research in Personality*, 40(4):440-50.

- Barnett, M. D., & Sharp, K. J. (2017). Narcissism, gender, and evolutionary theory: The role of private and public self-absorption. *Personality and Individual Differences*, 26(4): 326-332.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1): 56-95.
- Brummelman, E., Thomaes, S., Nelemans, S. A., Orobio de Castro, B., Overbeek, G., & Bushman, B. J. (2015). Origins of narcissism in children. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 112(12): 3659-3662.
- Buri, J. R., Louisell, P. A., Misukanis, T. M., & Muller, R. A. (1988). Effects of parental authoritarianism and authoritativeness on self-esteem. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 14(2): 271-282.
- Corral, C., & Calvete, E. (2014). Early maladaptive schemas and personality disorder traits in perpetrators of intimate partner violence. *The Spanish Journal of Psychology*, 17 (1): 1-10.
- Esmali Kooraneh, A., & Amirsardari, L. (2015). Predicting early maladaptive schemas using Baumrind's parenting styles. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 9(2): 26-30.
- Ghani, F., B, A., Kamal, S. L. A., & Aziz, A. A. (2014). The implication of parenting styles on the Akhlak of Muslim teenagers in the South of Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114(2): 761-765.
- González-Jiménez, A. J., & Hernández-Romera, M. M. (2014). Early maladaptive schemas in adolescence: A quantitative study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 132(2): 504-508.
- Guadagnoli, E., & Velicer, W. F. (1998). Relation to sample size to the stability of component patterns. *Psychological Bulletin*, 103(2): 265-275.
- Güner, O. (2016). Psychometric Properties and normative values of early maladaptive schema questionnaires set for children and adolescents (SQS). *Clinical psychology & psychotherapy*, 24(2): 534-554.
- Horton, R. S., & Tritch, T. (2014). Clarifying the links between grandiose narcissism and parenting. *The Journal of Psychology*, 148(2): 133-43.
- Khajouei Nia, M., Sovani, A., & Sarami Forooshani, G. R. (2014). Exploring correlation between perceived parenting styles, early maladaptive schemas, and depression among women with depressive symptoms in Iran and India- role of early maladaptive schemas as mediators and moderatos. *Iranian Red Crescent Medical Journal*, 16(12): e17492.
- Kline, R. B. (2005). *Principles and practice of structural equation modeling*. Edition 2. New York & London: Guilford press.
- Mantgomery, C., Fisk, J. E., Graigl, J. (2008). The effects of perceived parenting style on the propensity for illicit drug use: the importance of parental warmth and control. *Drug Alcohol Review*, 27(6): 640-9.
- Matejevic, M., Jovanovic, D., & Ilic, M. (2015). Patterns of family functioning and parenting style of adolescents with depressive reactions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 185(1): 234-239.

- Meyers, L. S., Gamest, G., & Goarin, A. J. (2006). *Applied multivariate research, design and interpretation*. London: Sage publication.
- Roche, M. J., Pincus, A. L., Lukowitsky, M. R., Menard, K. S., & Conroy, D. E. (2013). An integrative approach to the assessment of narcissism. *Journal of Personality Assessment*, 95(3): 237-248.
- Sakulsriprasert, C., Phukao, D., Kanjanawong, S., & Meemon, N. (2016). The reliability and factor structure of Thai Young schema questionnaire-short form 3. *Asian Journal of Psychiatry*, 24(1): 85-90.
- Sarıtaş Atalar, D., & Gençöz, T. (2015). The mediating role of early maladaptive schemas in the relationship between maternal rejection and psychological problems. *Turkish Journal of Psychiatry*, 26(1): 40-7.
- Shorey, R. C., Elmquist, J., Anderson, S., & Stuart, G. L. (2015). The relationship between early maladaptive schemas, depression, and generalized anxiety among adults seeking residential treatment for substance use disorders. *Journal of Psychoactive Drugs*, 47(3): 230-8.
- Shorey, R. C., Stuart, G. L., & Anderson, S. (2014). Differences in early maladaptive schemas between a sample of young adult female substance abusers and a non-clinical comparison group. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 21(1): 21-8.
- Smetana, J. G. (2017). Current research on parenting styles, dimensions, and beliefs. *Current Opinion in Psychology*, 15(2): 19-25.
- Waller, G., Meyer, C., & Hanian, V. (2001). Psychometric properties of the long & short versions of the Young schema questionnaire. *Cognitive Therapy and Research*, 25(2): 137-147.
- Zeigler-Hill, V., Green, B. A., Arnau, R. C., Sisemore, T. B., & Myers, E. M. (2011). Trouble ahead, trouble behind: Narcissism and early maladaptive schemas. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 42(3): 96-103.
- Zhou, Q., Wang, Y., Deng, X., Eisenberg, N., Wolchik, S. A., & Tein, J.-Y. (2008). Relations of parenting and temperament to Chinese children's experience of negative life events, coping efficacy, and externalizing problems. *Child Development*, 79(3):493-513.

پرسشنامه سبک‌های والدگری بامریند

کاملاً موافقم	موقعم	تقریباً مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	عبارت‌ها
۵	۴	۳	۲	۱	۱. والدین به بچه‌های خود اجازه دهند تا هر آنچه را که می‌خواهند انجام دهند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲. بچه‌ها باید فقط از آنچه که والدین‌شان می‌گویند پیروی کنند و در غیر این صورت باید آن‌ها را تنبیه کرد.
۵	۴	۳	۲	۱	۳. اگر به مشکلات بچه‌ها توجه شود این در دسر را به دنبال دارد که آن‌ها گستاخ‌تر شده و انتظارات بیشتری از والدین خواهند داشت.
۵	۴	۳	۲	۱	۴. هرگاه والدین تصمیمی برای بچه‌ها بگیرند باید دلایل آن را به آن‌ها بگویند.
۵	۴	۳	۲	۱	۵. اگر بچه‌ها نسبت به محدودیت ایجاد شده در خانواده اعتراض کردند والدین باید با صحبت کردن آن‌ها را قانع کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۶. والدین نباید در کارهای مربوط به بچه‌ها دخالت کنند چون بچه‌ها به‌طور ذاتی راه خودشان را پیدا می‌کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۷. اگر بچه‌ها کاملاً مطابق میل والدین خود رفتار کنند، در آینده افراد موفق‌تری خواهند شد.
۵	۴	۳	۲	۱	۸. بچه‌ها باید کاری را که والدین از آن‌ها انتظار دارند انجام دهند اما اگر انتظارات والدین غیر قابل قبول است، باید بتوانند آن‌ها را آزادانه با والدین خود مطرح کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۹. وقتی والدین از بچه‌ها می‌خواهند کاری را انجام دهند بچه‌ها باید بدون چون و چرا انجام دهند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۰. والدین نباید بچه‌ها را در منزل محدود کنند بلکه باید آن‌ها را آزاد بگذارند تا تمام لوازم اطراف خود را دست‌کاری کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۱. هرگاه بچه‌ها بر خلاف میل والدین رفتار کردند والدین باید به‌جای تنبیه آن‌ها را راهنمایی کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۲. والدین خیلی زود باید به بچه‌ها بفهمانند که رئیس خانواده چه کسی است.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۳. والدین باید تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده فقط آنچه را که خواست بچه‌ها است انجام دهند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۴. اگر والدین رفتار و خواسته‌های بچه‌ها را محدود نکنند، بیش‌تر مشکلات حل می‌شود.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۵. والدین باید هنگام تصمیم‌گیری در مورد مسائل و برنامه‌های خانواده نظر بچه‌ها را دخالت دهند و از آن‌ها نیز نظر خواهی کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۶. والدین باید با بچه‌هایی که با نظر آن‌ها مخالفت می‌کنند به‌شدت برخورد نمایند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۷. والدین باید به بچه‌ها اجازه دهند تا در کارها خودشان تصمیم‌گیرنده باشند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۸. شوخی و بازی کردن بچه‌ها در حضور والدین توهین به آن‌هاست.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۹. بچه‌ها به بازی و تفریح نیاز دارند برای این کار والدین باید به آن‌ها اجازه دهند هر وقت دل‌شان خواست از منزل خارج شوند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۰. باید به بچه‌ها اجازه داده شود که اگر فکر می‌کنند نظرشان از نظرات والدین خود بهتر است آن را ابراز کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۱. وقتی بچه‌ها مرتکب اشتباهی می‌شوند هیچ‌گاه نباید آن‌ها را سرزنش کرد.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۲. اگر والدین تصمیمی برخلاف میل بچه‌ها گرفتند، در چنین مواردی باید با بچه‌ها گفتگو کنند و حتی اگر اشتباه کرده بودند آن را بپذیرند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۳. گاهی وقت‌ها والدین باید با بچه‌ها سازش کنند، نه این‌که همیشه انتظار داشته باشند که بچه‌ها با آن‌ها سازش کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۴. بچه‌ها را باید آزاد گذاشت تا خودشان تجربه کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۵. بعضی از بچه‌ها ذاتاً بد هستند و باید طوری تربیت شوند که از والدین خود بترسند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۶. بچه‌ها وقتی بزرگ شوند، از سخت‌گیری‌های والدین خود سپاسگزار می‌شوند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۷. وقتی بچه‌ها دچار مشکل و دردمندی شوند (کار خطایی انجام می‌دهند) باید بدانند که با مطرح کردن آن مشکل برای والدین خود تنبیه نمی‌شوند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۸. در مجالس و مهمانی‌ها باید بچه‌ها را آزاد گذاشت تا محیط اطراف خود را دست‌کاری کنند تا حس کنجکاوی آن‌ها ارضاء شود.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۹. بچه‌ها جدی و کوشا نخواهند بود مگر این‌که درباره کارهای آن‌ها سخت‌گیری کنیم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۰. اگر چه بچه‌ها تجربه کمی دارند، اما گاهی وقت‌ها نظر آن‌ها بهتر از نظر والدین است.

نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره

کاملاً درست	تقریباً درست	اندرکی درست	بیشتر درست تا غلط	تقریباً غلط	کاملاً غلط	عبارت‌ها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۱. اغلب کسی را نداشته‌ام که از من حمایت کند، حرف‌هایش را با من بزند و عیناً نگران اتفاق‌هایی باشد که برایم می‌افتد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۲. به‌طور کلی کسی نبوده که به من عاطفه، محبت و صداقت نشان می‌دهد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۳. در بیشتر وقت‌های زندگی، این احساس به من دست نداد که برای فرد دیگری، شخص ویژه و ممتازی به‌شمار می‌روم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۴. در غالب وقت‌ها کسی را نداشته‌ام که واقعاً به درد دلم گوش دهد، مرا بفهمد یا این‌که احساس یا نیازهای واقعی مرا درک کند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۵. وقتی که نمی‌دانستم کاری را چگونه انجام دهم، به‌ندرت شخصی پیدا می‌شد که مرا نصیحت و راهنمایی کند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۶. من به افراد نزدیک خودم خیلی وابسته‌ام، چون می‌ترسم مبادا مرا ترک کنند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۷. آن‌قدر به دیگران وابسته‌ام که نگران از دست دادن آن‌ها هستم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۸. نگرانم مبادا نزدیکانم مرا ترک کنند یا مرا به حال خود رها کنند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۹. وقتی احساس می‌کنم کسی که برایم مهم است از من دوری می‌کند مأیوس می‌شوم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۰. برخی وقت‌ها آن‌قدر نگران آن هستم که دیگران مرا ترک کنند که آن‌ها را از خود دور می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۱. احساس می‌کنم مردم از من سودجویی می‌کنند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۲. احساس می‌کنم باید در حضور دیگران از خودم محافظت کنم، چون در غیر این‌صورت عمداً به من آسیب می‌زنند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۳. دیگران دیر یا زود به من خیانت می‌کنند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۴. نسبت به انگیزه‌های دیگران سوءظن شدید دارم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۵. معمولاً به‌طور جدی به انگیزه‌های نهایی مردم فکر می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۶. وصله ناجور اجتماع هستم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۷. اساساً با دیگران خیلی فرق دارم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۸. نمی‌توانم به کسی تعلق خاطر داشته باشم، انسان گوشه‌گیری هستم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۹. احساس می‌کنم با مردم بیگانه‌ام.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۰. همیشه احساس می‌کنم در جمع، جایی ندارم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۱. مردان یا زنانی که دوست‌شان دارم، وقتی عیب‌های مرا می‌بینند، نمی‌توانند دوستم داشته باشند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۲. اگر کسی واقعاً مرا بشناسد، مایل نیست با من رابطه صمیمی برقرار کند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۳. لیاقت عشق، توجه و احترام دیگران را ندارم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۴. احساس می‌کنم هیچ‌کس مرا دوست ندارد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۵. در بسیاری از جنبه‌ها، چنان شخصیت پر از عیب و ایرادی دارم که نمی‌توانم در کنار دیگران راحت باشم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۶. تقریباً هیچ کاری را نمی‌توانم به‌خوبی دیگران انجام دهم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۷. هر زمان پیشرفتی در کارم به‌وجود می‌آید، احساس بی‌کفایتی می‌کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۸. بیشتر مردم در حوزه‌های شغلی یا تحصیلی از من توانا تر هستند.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۹. نمی‌توانم مانند اغلب مردم در کارهایم با استعداد باشم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۰. در کار یا تحصیل، مثل بقیه باهوش نیستم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۱. احساس می‌کنم نمی‌توانم به‌تنهایی از پس کارهای زندگی روزمره‌ام بر بیایم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۲. فکر می‌کنم در انجام کارهای روزمره، آدم وابسته‌ای هستم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۳. عقل درست و حسابی ندارم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۴. اصلاً به قضاوت‌های خودم در موقعیت‌های روزمره، اعتماد ندارم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۵. احساس می‌کنم نمی‌توانم به‌تنهایی گلیم خودم را از آب بیرون بکشم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۶. نمی‌توانم از شر این احساس رها شوم که مبادا اتفاق بدی بیفتد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۷. احساس می‌کنم هر لحظه ممکن است یک فاجعه طبیعی، جنایی، حقوقی یا پزشکی برایم اتفاق بیفتد.

۶۸. آدم ترسویی هستم.
۶۹. می‌ترسم تمام سرمایه خود را از دست بدهم و بیچاره شوم.
۷۰. اغلب نگرانم که دچار سکنه قلبی یا بیماری سرطان بشوم، حتی وقتی دلایل پزشکی کمی برای این نگرانی وجود دارد.
۷۱. قادر نیستم از والدینم جدا شوم، کاری که هم سن و سال‌هایم انجام می‌دهند.
۷۲. من و والدینم تمایل داریم خود را بیش از حد در زندگی و مسائل یک‌دیگر درگیر کنیم.
۷۳. اگر من و والدینم، مسائل جزئی و خصوصی خود را از یک‌دیگر پنهان کنیم، احساس گناه یا خیانت می‌کنیم.
۷۴. اغلب احساس می‌کنم که انگار سایه سنگین والدینم دائم بر سر من است، نمی‌توانم یک زندگی جداگانه‌ای برای خودم داشته باشم.
۷۵. هویت من چنان با هویت والدینم گره خورد است که واقعاً نمی‌دانم کی هستم و چی می‌خواهم.
۷۶. در کار دیگران دخالت نمی‌کنم، چون از عواقب دخالت در کار آن‌ها می‌ترسم.
۷۷. احساس می‌کنم چاره‌ای ندارم جز این‌که به خواسته‌های دیگران تن بدهم، چون در غیر این‌صورت یا مرا ترک می‌کنند یا درصدد تلافی برمی‌آیند.
۷۸. در روابطم، به دیگران اجازه می‌دهم که بر من مسلط شوند.
۷۹. همیشه به دیگران اجازه داده‌ام به‌جای من تصمیم بگیرند، در نتیجه من واقعاً نمی‌دانم چی می‌خواهم.
۸۰. خیلی برایم مشکل است که از دیگران تقاضا کنم حقوقم را رعایت و احساساتم را درک کنند.
۸۱. در نهایت، کار مراقبت از نزدیکانم، روی دوش من است.
۸۲. آدم خوبی هستم، چون بیش از آن‌که به فکر خودم باشم، به فکر دیگرانم.
۸۳. مهم نیست که چقدر سرم شلوغ است، من همیشه می‌توانم وقتی را برای دیگران کنار بگذارم.
۸۴. همیشه به درد و دل دیگران گوش داده‌ام.
۸۵. اطرافیان معتقدند که من برای رفع نیازهای دیگران خیلی تلاش می‌کنم، ولی برای خودم کاری انجام نمی‌دهم.
۸۶. خجالت می‌کشم که احساسات مثبتم (مثل محبت و توجه) را به دیگران بروز بدهم.
۸۷. از این‌که احساساتم را به دیگران ابراز کنم خیلی شرمسار می‌شوم.
۸۸. برای من سخت است که صمیمی و بی‌تکلف رفتار کنم.
۸۹. آن‌قدر خودم را کنترل می‌کنم که مردم فکر می‌کنند آدم بی‌احساسی هستم.
۹۰. از نظر دیگران من عصبی و ناراحت‌م.
۹۱. باید در هر کاری که انجام می‌دهم بهترین باشم، نمی‌توانم بپذیرم که نفر دوم باشم.
۹۲. سعی می‌کنم تمام تلاش خودم را بکنم، خوب بودن نسبی کار، هیچ‌گاه مرا راضی نمی‌کند.
۹۳. باید به تمام مسئولیت‌هایم عمل کنم.
۹۴. احساس می‌کنم برای پیشرفت و دستیابی به خواسته‌هایم، همواره تحت فشار هستم.
۹۵. وقتی که کاری را اشتباه انجام می‌دهم، نمی‌توانم خودم را ببخشم یا دست به بهانه تراشی بزنم.
۹۶. وقتی از کسی چیزی می‌خواهم، خیلی برایم سخت است نه بشنوم.
۹۷. آدم خاصی هستم و نمی‌توانم محدودیت‌های را که بر سر راه دیگران وجود دارد، بپذیرم.
۹۸. از این‌که مرا محدود کنند یا جلوی کارم را بگیرند، به‌شدت متنفرم.
۹۹. احساس می‌کنم نباید از قوانین و قراردادهای بهنجاری که مردم تابع آن هستند، اطاعت کنم.
۱۰۰. احساس می‌کنم کارها و خواسته‌های من، ارزشمندتر از کارها یا خواسته‌های دیگران است.
۱۰۱. حوصله انجام کارهای متداول زندگی یا کارهای ملال‌آور را ندارم.
۱۰۲. اگر به یکی از اهدافم نرسم، زود مایوس می‌شوم و دست از تلاش برمی‌دارم.
۱۰۳. خیلی برای من سخت است که برای دستیابی به هدف بلندمدت، از سر خیر رضایت‌مندی فوری بگذرم.
۱۰۴. نمی‌توانم خودم را مجبور کنم که کارهای بدون لذت را انجام بدهم، حتی اگر بدانم این کارها، نتایج خوبی به‌دنبال ندارند.
۱۰۵. به‌ندرت توانسته‌ام به تصمیم‌ها و راه‌حل‌های خودم پای‌بند باشم.

پرسشنامه شخصیت خودشیفته

ردیف الف	ردیف ب
۱. من آدم خوبی هستم، زیرا هر کسی این نظر را نسبت به من دارد.	۱۷. وقتی دیگران از من تعریف می‌کنند، گاهی وقت‌ها شرمگین می‌شوم.
۲. دوست دارم در جمع، همه به من توجه کنند.	۱۸. ترجیح می‌دهم قاطی جمع باشم به نحوی که جلب توجه نکنم.
۳. فکر می‌کنم انسان خاصی هستم.	۱۹. من نه بهتر و نه بدتر از دیگرانم.
۴. داشتن قدرت و نفوذ بر دیگران را دوست دارم.	۲۰. پیروی از دستورات برایم ایرادی ندارد.
۵. سوء استفاده از دیگران برایم آسان است.	۲۱. سوء استفاده از دیگران را دوست ندارم.
۶. بسیار مشتاقم که از سوی دیگران مورد احترام قرار بگیرم و در مورد آن پافشاری می‌کنم.	۲۲. من معمولاً احترامی که مستحقش هستم را دریافت می‌کنم.
۷. لیاقت خودنمایی را دارم حتی اگر موفقیتیم از روی خوش‌شانسی باشد.	۲۳. سعی می‌کنم خودنمایی نکنم.
۸. همیشه نسبت به کاری که می‌کنم اطمینان دارم.	۲۴. گاهی وقت‌ها نسبت به کاری که می‌کنم اطمینان ندارم.
۹. هر کسی دوست دارد صحبت‌های من را بشنود.	۲۵. گاهی وقت‌ها حرف‌های خوبی می‌گویم.
۱۰. انتظارات زیادی از دیگران نسبت به خود دارم.	۲۶. دوست دارم کارهایی را برای دیگران انجام بدهم.
۱۱. بسیار دوست دارم که مرکز توجه باشم.	۲۷. مرکز توجه بودن ناراحت‌کننده می‌کند.
۱۲. به‌نظرم مردم همیشه اقتدار مرا تصدیق می‌کنند.	۲۸. اقتدار داشتن به آن اندازه برایم مهم نیست.
۱۳. انسان بزرگی خواهم شد.	۲۹. امیدوارم آدم موفقی باشم.
۱۴. قادرم هر چیزی را که می‌خواهم به دیگران بقبولانم.	۳۰. مردم گاهی وقت‌ها آنچه را که به من به آن‌ها می‌گویم باور می‌کنند.
۱۵. توانا تر از دیگران هستم.	۳۱. چیزهای زیادی هست که می‌توانم از دیگران یاد بگیرم.
۱۶. انسانی استثنایی هستم.	۳۲. شباهت زیادی به دیگران دارم.

Structural model of parenting styles, early maladaptive schemas and narcissistic personality traits in adolescents

A.S. Zabeti¹ & S. Jafari^{2*}

1. M.A. in General Psychology, Shahre Qods branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2*.Assistant Professor, Department of Educational Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

Aim: The study purpose was to determine the structural model of parenting styles, early maladaptive schemas and narcissistic personality traits in adolescents in male adolescents. **Method:** Method was a descriptive correlational type and the statistical population included all 13 to 18 male adolescents in Tehran in fall and winter of 2016 (N=167459). Through target sampling, 300 teenagers and their mothers were selected from Bahman Cultural Center, Fajr Cultural and Arts Complex, and Bahman Sports Complex. The selection was based on based on Guadagnoli & Velicer's proposal. The study tools were Baumrind's Parenting Styles Questionnaire (1990) which was completed by mothers and Young's Schema Questionnaire-short form (1988) as well as Ames, Rose & Anderson's (2006) Narcissistic Personality Inventory which were completed by adolescents. **Results:** Results showed that early maladaptive schemas had a negative mediation effect on the relationship between authoritative parenting styles and narcissistic personality traits ($\beta=-0.319, P=0.001$) but had a positive mediation effect on the relationship between authoritarian parenting styles and narcissistic personality traits ($\beta=0.153, P=0.02$). **Conclusion:** The educational system of family, or in other words parenting styles are important factors in the formation of children's personality and as well as the formation of cognitive constructs including early maladaptive schemas. Based on these results, positive parenting education is recommended for parents, especially mothers, and especially during the early development of their children.

Keywords: adolescents, boy, narcissistic, parenting styles, schema

Citation: Zabeti, A. S., & Jafari, S. (2018). Structural model of parenting styles, early maladaptive schemas and narcissistic personality traits in adolescents. *Journal of Applied Psychology*, 12(2): 285-302.

Received: 23 May 2017
Accepted: 09 March 2018

Corresponding author:
Se.jafari@alzahra.ac.ir